

تصمیمات قضائی

۱ - حقوقی

حکم شماره $\frac{۲۹۸۲}{۳۷/۱۰/۴۰}$ هیئت عمومی دیوان عالی کشور

گردش کار - فرجام خواننده دادخواستی بخواسته یک قطعه زمین بمساحت ششصد متر مربع مقوم بدوازده هزار ریال بطرفیت اداره شهرداری آبادان بدادگاه شهرستان آبادان تقدیم داشته و چنین توضیح داده است که زمین مورد دعوی محدود است شمالاً بزمین واگذاری سیدمحمد معمارمحل فعلی شیر وخورشید سرخ شرقاً بخیابان شهرداری جنوباً بزمین واگذاری غلامشاه غرباً راه شوسه خرمشهر وفعلاً محصور و دارای ساختمان ناقص بوده واینک جزء پلاک شماره ۲۵۲۷ قطعه ۲ بخش یک آبادان میباشد وخواننده بدون حق درخواست ثبت آن نموده لذا بموجب مدارك تقدیمی و باستناد بمعاینه و تحقیقات محلی درخواست صدور حکم بحقانیت خود دارم مدارك تقدیمی عبارت بوده است از رونوشت یک برگ قباله انتقال ورونوشت صورت مجلس تأمین دلیل دادگاه پس از رسیدگی باصالت انتقال نامه و بموجب صورت مجلس تأمین دلیل خواننده را غیاباً محکوم به خلع ید از زمین مورد دعوی مینماید محکوم علیه دادخواست اعتراض بهمان دادگاه تقدیم و با تکذیب از دعوی و مدارك آن بصلاحیت دادگاه اعتراض نموده لذا برای تشخیص بهای خواسته نظر کارشناس جلب شده و کارشناس بهای خواسته را بیست و چهار هزار ریال تعیین میکند و پس از رسیدگی حکم بر استواری دادنامه وخواسته صادر میگردد شهرداری آبادان از این حکم پژوهش خواسته وحتی اعتراض نموده است که خواهان مدعی است زمین را از کوزه کنانی خریده و شخص اخیر الذکر آنرا از دارائی خریداری کرده است در صورتیکه زمین مزبور ملک خاص شهرداری بوده و فرضاً دارائی فروخته باشد مجاز نبوده است دادگاه استان ششم پس از رسیدگی و تشخیص اینکه مورد دعوی جزء اراضی خالصه به ثبت رسیده است ایراد شهرداری را بعدم صلاحیت دادگاه وارد و قرار عدم صلاحیت خود بمناسبت صلاحیت دیوان دادرسی دارائی صادر نموده و پس از قطعیت قرار مزبور و انحلال دیوان دادرسی دادگاه شهرستان تهران بموضوع رسیدگی و مورد دعوی را از اراضی دارائی تشخیص میدهد که بموجب ماده واحده مصوب ۱۳۱۴ از طرف دولت بحسن کوزه کنانی انتقال یافته و نامبرده طبق سند انتقال نامه مدرك دعوی آنرا بخواهان واگذار نموده و بالتیجه بیطلان درخواست ثبت شهرداری حکم میدهد شهرداری آبادان از این حکم پژوهش خواسته و با جلب بنگاه خالصه بدعوی و اعتراضات عدیده فسخ حکم بدوی و محکومیت پژوهش خواننده را به بیحقی خواستار شده و دادگاه استان پس از رسیدگی چنین رأی داده است (عمله اعتراض وکیل پژوهش خواه این است ۱ دادخواست اولیه خواهان در مراحل بدوی و پژوهشی و فرجامی مورد رسیدگی قرار گرفته و پس از صدور قرار عدم صلاحیت از دادگاه استان

تصمیمات قضائی

خوزستان و قطعیت و تأیید آن در مرحله فرجامی بدعوی خواهان میبایست پس از تقدیم دادخواست مجدد از طرف او رسیدگی شود درحالیکه دادخواست مجددی نداده و رسیدگی دادگاه بدوی و اصدار حکم بدون آن قانوناً صحیح نبوده است ۲ - قطعه زمین مورد ادعای خواهان غیر از زمین انتقالی حسن کوزه کنانی باو میباشد و مشخصات دو قطعه زمین مرقوم تطبیق نمی نماید ۳ - برطبق ماده واحده مصوب بهمن ۱۳۰۷ اداره دارائی حق انتقال قطعه زمین مورد دعوی را بحسن کوزه کنانی نداشته زیرا زمین مورد دعوی جزء گورستان متروکه بوده که برطبق ماده مزبور متعلق به شهرداری بوده است و هیچ یک از اعتراضات مزبور بنظر دادگاه وارد نیست زیرا در قسمت ایراد اول وکیل پژوهش خواه ماده ۱۸ قانون ثبت تعیین تکلیف نموده و اجازه داده است پس از صدور قرار عدم صلاحیت پرونده بمرجع صالح فرستاده شود و راجع بعدم تطبیق زمین مورد دعوی با زمین مورد انتقال حسن کوزه کنانی بخواهان نیز با توجه بمعاینه محل و گواهی گواهان هنگام تحقیق محلی و صورت مجلس تأمین دلیل محرز است که زمین مورد دعوی همان زمین مورد انتقال کوزه کنانی به پژوهش خوانده میباشد و استناد بماده واحده مصوبه بهمن ۱۳۰۷ و ادعای باینکه اداره دارائی محل حق انتقال زمین مورد دعوی را نداشته صحیح نیست بلکه مدلول ماده واحده خلاف این ادعا را میرساند زیرا بموجب ماده مزبور دولت مجاز است املاک دولتی را که در آن ماده مذکور است در هر شهری با اطلاع وزارت دارائی بشهرداری واگذار نماید بنا بمدلول این ماده ید شهرداری در اراضی دولتی بایستی متعلق از دولت باشد و چون در این مورد انتقال مورد دعوی از دولت بحسن کوزه کنانی و از کوزه کنانی به پژوهش خوانده محرز است و استناد شهرداری بتحقیقات محلی برای اثبات تصرفات آن اداره مؤثر در مقام نمیشد حکم پژوهش خواسته استوار میگردد (شهرداری محکوم علیه دادخواست فرجامی تقدیم داشته و شعبه پنجم دیوان عالی کشور در تاریخ ۳/۳/۲۵ چنین رأی داده است (فرجام خواه در موقع اعتراض بر حکم غیابی دادگاه شهرستان آبادان اشعار داشته زمین مورد دعوی بازمین متصرفی شهرداری از حیث حدود و مشخصات مغایر و برای اثبات آن بمعاینه و تحقیقات محلی استناد کرده و نیز در هنگام پژوهش در دادگاه استان ششم اظهار داشته زمین مورد بحث بیاض و گورستان و سالها میباشد در تصرف شهرداری است و برای اثبات این مراتب درخواست تحقیقات محلی کرده و در مرحله پژوهش در دادگاه استان مرکزی در ضمن اعتراضات از قبیل اینکه مورد معامله با فرجام خوانده خانه معرفی شده در صورتیکه خانه وجود نداشته بالاخره از دادگاه برای اثبات تصرفات سابقه شهرداری تقاضای تحقیقات محلی از اهالی شهر که آگاه بقبرستان بودن محل مزبور هست نموده و در قباله معامله فرجام خوانده با کوزه کنانی هم مورد معامله یک باب عمارت ناقص البناء جدید معرفی شده و در دادخواست نخستین تقدیمی بدادگاه شهرستان آبادان نوشته شده یک قطعه زمین که قبلاً محصور بدیوار آجری و دارای ساختمانی ناقص بوده بنا بمراتب مسطوره و توجه باظهارات گواهان معرفی شده از طرف فرجام خوانده در موقع تحقیقات محلی که بدرخواست فرجام خوانده بعمل آمده و خود داری مجری قرار از استماع گواهی گواهان معرفی شده از طرف فرجام خواه چون مورد درخواست فرجام خواه راجع بتحقیقات محلی باستناد اینکه سابقاً تحقیقات محلی شده

تصمیمات قضائی

با اینکه ممکن التاثر در روشن شدن قضیه بوده مورد نداشته و رسیدگی دادگاه از این حیث ناقص و بموجب شق ۳ از ماده ۵۹ قانون آئین دادرسی مدنی حکم فرجام خواسته با اکثریت نقض و رسیدگی بشعبه دیگر دادگاه استان مرکز ارجاع میشود پس از نقض پرونده بشعبه پنجم دادگاه استان مرکز رجوع شده و شعبه مزبور پس از رسیدگی چنین رأی داده است « عمده اعتراض وکیل پژوهش خواه بردانامه پژوهش خواسته این است که زمین مورد نزاع با قطعه زمینی که در قباله خرید پژوهش خوانده وصف شده منطبق نیست و پلاک مورد اعتراض جزء گورستان متروکه در تصرف شهرداری بوده که این اعتراضات مؤثر نیست زیرا با توجه بصورت مجلس معاینه و تحقیق محلی که مطلعین عموماً تصرفات مالکانه پژوهش خوانده را در همین زمین و انطباق آنرا با زمین مورد ابتیاع او و چگونگی حدود زمین در سابق و تغییراتی که در آن داده شده و منجر بصورت فعلی گردیده گواهی داده اند و اینکه از طرف شهرداری در روز اجراء قرار گواهان که استماع شهادتشان قانوناً بلامانع باشد اقامه نشده و با عطف نظر بصورت مجلس تأمین دلیل و توجه به رونوشت قباله خرید پژوهش خوانده که اصالت آن ثابت گردیده و مسلم است که این زمین از اراضی خالصه و اگذار شده از طرف دارائی آبادان است و مدافعات بنگاه خالصه جات در این مرحله که بعنوان جلب از طرف پژوهش خوانده دعوت شده نیز صحت دعوی پژوهش خوانده را از هر جهت ثابت داشته است ادعای شهرداری باینکه زمین مزبور جزء گورستان متروکه بوده بیوجه و فرضاً که گواهانی بر این معنی گواهی داده اند شهادت آنان در قبال دلائل یاد شده قابل ترتیب اثر نخواهد بود و از این رو دادگاه خود را مستغنی از صدور قرار تحقیق محلی دانسته و چون بنا بجهات فوق الاشعار مالکیت پژوهش خوانده نسبت پلاک مورد اعتراض محرز است و اعتراض موجهی بردانامه پژوهش خواسته نشده حکم مورد پژوهش عیناً استوار و پژوهش خواه بپرداخت سیصد ریال بابت حق الوکاله این مرحله به پژوهش خوانده محکوم میشود (شهرداری آبادان در مدت مقرر دادخواست فرجامی تقدیم داشته و رسیدگی باین دادخواست به شعبه دهم ارجاع گردیده و خلاصه اعتراضات فرجام خواه تکرار مطالب و درخواستهای است که در مراحل بدوی و پژوهشی اظهار شده است.

جلسه هیئت عمومی دیوان عالی کشور بریاست جناب آقای محمد سروری رئیس کل دیوان عالی کشور با حضور آقای دکتر عبدالحسین علی آبادی معاون اول دادستانی کل کشور و آقایان رؤسا و مستشاران شعب بشرح زیر:

شعبه ۱ - آقای مفخم - آقای معصومخانی

شعبه ۲ - آقای فرزار - آقای شریفی اقدس

شعبه ۳ - آقای عرفان - جناب آقای علی اصغر امین - آقای فلاح رستگار - آقای

علی صفری

شعبه ۴ - آقای عباسعلی بشیر فرهمند - آقای اسدالله مصباح مرجانی

شعبه ۵ - جناب آقای هدایت - آقای عضدی - آقای برزین - آقای شیرازی

شعبه ۶ - جناب آقای ویشکائی - جناب آقای سرابندی - آقای صالح

تصمیمات قضائی

شعبه ۷ - جناب آقای میرمطهری - آقای محمد باقراسین
شعبه ۸ - جناب آقای مجلسی - آقای صفدری - آقای گودرزی
شعبه ۹ - آقای گرکانی - جناب آقای خواجهی - آقای قرشی - آقای آصفزاده
شعبه ۱۰ - آقای محمد صدر - آقای دکتر صدارت - آقای سجادیان
شعبه ۱۱ - جناب آقای احمدی بختیاری - آقای شهیدی - آقای شریف
تشکیل است پس از قرائت گزارش جریان پرونده و آراء صادره و مذاقه در مواد
مربوطه و کسب عقیده آقای معاون اول دادستانی کل که مبنی بر ابرام حکم فرجامخواسته
بود مشاوره نموده بشرح زیر رأی میدهند.

**نظر باینکه اعتراضات فرجامخواه تکرار مطالبی است که در مرحله
پژوهشی اظهار و موجهارد شده و از لحاظ رعایت قانون و اصول اشکالی
بناظر نمیرسد دادنامه فرجام خواسته با کثرت آراء ابرام میگردد.**

۴ - جزائی

حکم شماره $\frac{۷۶۰۸}{۳۷/۱۰/۳۵}$ هیئت عمومی دیوانعالی کشور

گردش کار - اسدالله بختیار که با اتهام ایراد جرح منتهی بفوت باستناد قسمت اخیر
ماده ۱۷۱ و ۱۷۰ مورد تعقیب دادرسی زنجان در دادگاه جنائی تهران بوده در شعبه
سوم دیوان جنائی تهران باستناد دو ماده مرقومه با رعایت تخفیف متهم به پنجسال حبس
با اعمال شاقه و تأدیه یکهزار ریال هزینه دادرسی محکوم فرجام خواسته و شعبه سوم
دیوانعالی کشور با استدلال آنکه غیر از متهم کسان دیگری هم دارای داس بوده اند و نمیتوان
جرم ارتكابی متهم را بکیفیتی که در حکم ذکر گردیده منطبق با مواد استنادیه دانست
حکم را نقض و رسیدگی را بشعبه دیگر دادگاه جنائی مرکز محول و شعبه اولی دادگاه
جنائی تهران بقضیه رسیدگی و جرم منتسب را ثابت تلقی و با ماده ۱۷۰ اصلی تطبیق و مشارالیه
را بدو سال حبس تأدیبی و پرداخت یکهزار ریال هزینه دادرسی محکوم و محکوم علیه
و دادیار از این حکم فرجام خواسته و باز شعبه سوم دیوانعالی کشور بلحاظ آنکه بشرح
پرونده قتل درحین منازعه واقع نشده و استناد بماده ۱۷۵ اصلی قانون مجازات مورد نداشته
هکذا حکم را نقض و رسیدگی را بشعبه دیگر دادگاه جنائی تهران ارجاع نموده شعبه
سوم دادگاه جنائی مرکز در هیئت پنج نفری بقضیه رسیدگی و موضوع را با ماده ۱۷۵
اصلی قانون مجازات عمومی تطبیق و با رعایت ماده ۵۴ قانون مجازات عمومی مشارالیه را
بده ماه حبس تأدیبی و پرداخت یکهزار ریال هزینه دادرسی محکوم و همگام اعلام رأی
محکوم علیه و دادیار فرجام خواسته اند رسیدگی بشعبه سوم دیوانعالی کشور ارجاع و محکوم
علیه اعتراضی نکرده و خلاصه اعتراض دادستان با ذکر سوابق امر بشرح مذکور تطبیق
جرم را با ماده استنادی بی مورد و منطبق با ماده ۱۷۵ مکرر قانون مجازات دانسته و نقض
حکم را خواستار شده است.

جلسه هیئت عمومی دیوانعالی کشور بریاست رئیس کل دیوانعالی کشور با حضور
دادستان کل و معاون اول دادستان کل و آقایان رؤسا و مستشاران شعب تشکیل است

نصیحات قضائی

پس از قرائت گزارش جریان پرونده و آراء صادره و مذاقه در مواد مربوطه و کسب عقیده جناب آقای دادستان کل که مبنی بر فرجامخواهی ماهوی بشرح زیر: (مطابق محتویات پرونده مخصوصاً قرار بازپرس مسلم است که اسدالله بقصد قتل غلامعلی را با داس کشته است پس از ارتکاب بزه شهود شهادت داده اند که قتل براتعلی بتوسط اسدالله بعمل آمده خود او هم ابتداء اعتراف کرده که براتعلی را مجروح کرده است مادر او هم اعتراف نموده که بین پسر من و براتعلی خصومت بوده و بعداً براتعلی اصولاً منکر ایراد ضرب شده و ضمناً بازپرس تشخیص داده دلیل بر اینکه غیر از اسدالله شخص دیگری براتعلی را مقتول کرده باشد در دست نیست و با توجه بگواهی پزشکی معلوم میشود فوت بعلت سوراخ شدن ریه او بوده است) و درخواست نقض حکم بوده مشاوره نموده با کثرت آراء بشرح زیر رأی میدهند:

اعتراض دادستان کل که بعنوان فرجامخواهی ماهوی اظهار گردیده بر حکم فرجام خواسته وارد و حکم مزبور از جهت مخالفت با دلائل و شواهد موجوده در پرونده کار با حکم محکومیت متهم بکیفیتی که دادگاه مستند وقوع منازعه شناخته مخدوش است و بنابر این بدستور ماده ۴۳۰ مکرر قانون آئین دادرسی نقض و رسیدگی مجدد بشعبه دیگر دیوان جنائی مرکز ارجاع میگردد.

۳ - جزائی

حکم شماره $\frac{۲۹۱۱}{۳۷/۱۰/۳۵}$ هیئت عمومی دیوانعالی کشور

گردش کار - شعبه ۲ دیوان کشور در موردیکه سن واقعی متهم در موقع ارتکاب بزه مورد تردید دادگاه باشد اظهار نظر کرده که دادگاه باید اصولاً بر حسب نظر خود سن متهم را تشخیص و بمقتضای آن کیفر قانونی معین کند و جلب نظر کارشناس هم در این مورد تکلیف لازم قانونی برای دادگاه نیست و چون دادگاه قدر متیقن سن متهم را در هنگام ارتکاب بزه موضوع حکم کمتر از ۱۸ سال تشخیص داده نظر دادگاه قابل اعتراض نیست ولی شعبه ۹ اظهار نظر کرده که چون متهم خود را در محکمه جنائی هیچجه سال ناتمام معرفی کرده و بنظر دادگاه مشارالیه در حین وقوع بزه هیچجه سال تمام داشته و این اظهار نظر دادگاه جنبه فنی داشته این اظهار نظر از طرف دادگاه صحیح نبوده و موظف بوده رسیدگی در این خصوص را تکمیل نموده و سپس حکم دهد.

جلسه هیئت عمومی دیوانعالی کشور با حضور رئیس کل دیوانعالی کشور و دادستان کل و معاون اول دادستان کل و آقایان رؤساء و مستشاران شعب. تشکیل است - پس از قرائت جریان و آراء صادره از شعب و مذاقه در مواد مربوطه و کسب عقیده جناب آقای دادستان کل که مبنی بر تأیید حکم شعبه ۲ دیوانعالی کشور بود مشاوره نموده با کثرت آراء بشرح زیر رأی میدهند:

تصمیمات قضائی

در موردیکه دادگاه بتواند سن واقعی متهم را هنگام ارتکاب بزه تشخیص دهد تکلیفی برای جلب نظر کارشناس ندارد و در این صورت مطابق ماده ۴۹ قانون کیفر عمومی قدر متیقن سن متهم مناط حکم خواهد بود این نظر طبق قانون مربوط بوحدت رویه قضائی مصوب دهم تیرماه ۱۳۳۸ برای شعب دیوانعالی کشور و دادگاهها در موارد مشابه لازم الاتباع میباشد .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی